فقه و اصول، سال چهل و نهم، شماره ۲، شمارۀ پیاپی ۱۰۹
تابستان ۱۳۹٦، ۱۰۶-۸۹

بازخوانی ادله متنی حجیت خبر واحد در پرتوی سیره عقلا *

دکتر محمدتقی فخلعی[۱]
استاد دانشگاه فردوسی مشهد
Email: fakhlaei@um.ac.ir
بشری عبدخدایی
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: bshabd70@gmail.com

چکیده

خبرواحد به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع شرع همواره در علم اصول و حدیث مطرح بوده و حجیت آن به‌دقت مورد بررسی قرار گرفته است. اثبات حجیت خبر واحد در رویکرد گذشته دانشمندان از طریق قرآن و روایات است که نتیجه آن پذیرش تعبدی چنین حکمی است اما در نظرگاه برخی معاصران به طور کلی طرق کشف احکام (امارات) جنبه تعبدی ندارند بلکه تابعی از بنای عقلا هستند که نقش شارع امضای آن‌هاست. نوشتار حاضر نیز، با چنین رویکردی خبر واحد را به عنوان یکی از این طرق که سیرۀ عقلا منشأ حجیت آن است، تحلیل کرده و نقش سایر ادله متنی (آیات و روایات) را به عنوان مقرر چنین سیره‌ای تبیین نموده‌است. بارزترین ثمره این بازخوانی، نگاه جدید به ملاکات وثاقت حدیث و طرق تنویع خبر است، زیرا با پذیرش نقش بنای عقلا در حجیت خبر، ملاکات پذیرش آن نیز به عقلا سپرده شده و موثوق‌الصدور بودن به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی حجبت روایت مورد توجه است.

کلیدواژه‌ها: خبر واحد، خبر ثقه، سیره عقلا، حدیث، موثوق الصدور.

---

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹٤/۰٦/۰۹.

DOI: 10.22067/fiqh.v0i0.43197

۱ . نویسنده مسئول

مقدمه

حجیت خبر واحد ابتدا در کتب اصولی اهل سنت و با تمسک به ادله کتاب و سنت یعنی؛ آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) و اجماع مورد بررسی قرار گرفت (جصاص، ۸۷-۷۵؛ غزالی، ۱۱۶-۱۲۴). در میان کتب امامیه نیز شیخ طوسی به عنوان اولین شخص، به ذکر ادله بر همان اساس کتب اهل سنت یعنی کتاب، سنت و اجماع پرداخت. (ط العده ۱/ ۱۰۸- ۱۲۸)[1]

این بحث در گستره زمان مورد بررسی دقیق‌تری قرار گرفت، به گونه‌ای که ادله متنی و اشکالات وارده بر آن بسیار مبسوط مطرح شد،[2] هم‌چنین دایره ادله خبر واحد به شکل کمی نیز افزایش یافت و در کتب سه قرن بعد ردپای دلیل عقل و سیره عقلا به مباحث حجیت خبر واحد اضافه شد. گرچه دلیل عقل کمتر مورد عنایت قرار گرفت اما دلیل سیره عقلا بسیار مورد توجه واقع گشت، به گونه‌ای که برخی معاصران تنها دلیل حجیت بخشی به خبر واحد را بنای عقلا می‌دانند (تقوی اشتهاردی، ۳/ ۱۹۱؛ واعظ‌حسینی، ۱/ ۱۹۶).

بنابراین می‌توان گفت به شکل کلی ادله حجیت خبر واحد در حال حاضر به دو گروه ادله متنی و ادله غیر متنی تقسیم می‌شود. ادله متنی شامل دلایل قرآنی و روایاتی است که از دلالت آن می‌توان به حجیت خبر واحد رسید و ادله غیر متنی شامل اجماع و سیره عقلا است.

باید دانست ورود سیره عقلا به دلایل حجیت امارات شرعی مانند خبر واحد تحولات مهمی را به وجود آورد به گونه‌ای که تا پیش از آن، تلاش متقدمان و متأخرانی مانند شیخ انصاری، صاحب کفایه، برای حجیت‌بخشی به خبر واحد، در راستای احراز وقوع تعبد به چنین ظنی از طریق نصوص شرعی یعنی ادله متنی بوده است (انصاری، ۱/ ۵۳). حال آن‌که در کتب معاصر به علت تأثیر توجه به بناهای عقلایی در ساز وکارهای شریعت، دیدگاه جدیدی از جانب برخی مانند میرزای نائینی و امام خمینی وارد شد که اماراتی مانند خبر واحد را از زوایه نگاه تعبدی مورد بررسی قرار نداده، بلکه آن‌ها را طرقی عقلائیه برای کشف واقع و استنباط احکام دانستند که مورد تأیید و تقریر شارع قرار گرفته است. (نائینی، ۳/ ۹۱؛ سبحانی، تهذیب الاصول، ۱/ ۱۹۴). لذا طبق این دیدگاه دلیل اصلی حجیت خبر واحد نیز بنای عقلاست و نقش سایر ادله در امضا و تقریر چنین حکمی است. در این نوشتار در صدد برآمدیم به تبیین این دیدگاه پرداخته و در این راستا ابتدا ادله متنی و نارسایی‌هایی که بر دلالت مستقل این ادله برای اثبات حجیت خبر واحد و شرایط راوی مطرح است، شرح داده و سپس این ادله را در پرتو سیره عقلا بازخوانی کنیم.

گفتنی است بارزترین ثمره چنین نگاهی علاوه بر رهایی از مشکلات نظری، در قلمرو و میزان حجیت

---

۱. شیخ طوسی اجماع امامیه را بر حجیت خبر واحد دلیل معتبر دانسته و اجماع عامه را نمی‌پذیرد.

۲. با بررسی ادله متنی در نوشتار حاضر این مدعی روشن خواهد شد.

خبر واحد تأثیر به سزایی خواهد داشت زیرا طبق نگاه متعبدانه دایره حجیت اخبار و ملاکات وثاقت روایت و راوی نیز باید از سوی شارع مشخص گردد به همین علت، گروهی شرط عدالت را برای راوی لازم دانسته و به همین جهت در میان احادیث صحیح، حسن، موثق و ضعیف تنها نوع اول را دارای حجیت می‌دانند، حتی برخی به خاطر روایات متعدد قدر متیقن را صحیح اعلایی دانسته و تنها چنین خبر واحدی را می‌پذیرند حال آن‌که با نگاه عرفی بودن اماره خبر واحد شرایط حجیت آن را نیز سیره مشخص خواهد نمود و چنانچه بزرگان مطرح نموده‌اند مهم‌ترین ملاک ایشان موثوق الصدور بودن حدیث است لذا ایشان به انواع دیگر حدیث علاوه بر صحیح نیز در صورت وجود شرایط ترتیب اثر می‌دهند. هم‌چنین گستره اخبار نیز با این فرض تنها در امور شرعیات یعنی احکام مورد استفاده نخواهد بود بلکه حجیت آن به روایات تفسیری نیز تسری خواهد نمود. این مسئله با ذکر اقوالی از بزرگان در پایان نوشتار بررسی خواهد شد.

پس از بیان کلیات اصطلاحی نوشتار به بیان دلالت و اشکالات ادله متنی و سپس بازخوانی آن در پرتوی سیره عقلا خواهیم پرداخت.

تعریف خبر و انواع آن

خبر در لغت به معنی پیغامی آگاهی دهنده است (فراهیدی، ۴/ ۲۵؛ ابن منظور، ۴/ ۲۲) و در اصطلاح با حدیث مترادف (نفیسی، ۳۷) و به معنای سخنی است که گفتار، کردار و تقریر معصوم (ع) را گزارش می‌کند (همو، ۳۱).

یکی از تقسیمات خبر با توجه به وضعیت سند آن، خبر متواتر و آحاد (واحد) است. ملاک این تقسیمات آگاهی‌ای است برای شنونده ایجاد می‌شود، حدیث متواتر به علت شرایط آن علم‌آور است در حالی‌که تمام اقسام دیگر حدیث که واحد خوانده می‌شود، افاده ظن می‌کند (همو، ۷۰).

خبر متواتر خبری است که گزارشگران آن در همه طبقات، آنقدر زیاد باشند که به طور عادی تبانی آن‌ها بر کذب محال باشد (فضلی، ۷۲). اما خبر واحد خبری است که فاقد شروط تواتر است و به خودی خود علم آور نیست (همو، ۸۲). غالب اصولیان خبر واحد را به دو قسم خبر واحد محفوف به قرائن قطعی و خبر واحد فاقد قرینه تقسیم کرده‌اند. (مظفر، ۳/ ۷۲) خبری که حجیت آن مورد اختلاف است خبر واحد بدون قرینه است (همان).

تعریف سیره عقلا و جایگاه آن در ادله خبر واحد

تاریخچه بحث از سیره عقلا به حدود دو قرن گذشته بازمی‌گردد (فخلعی، ۹۹). در تعریف سیره عقلا

آمده است: «عمل عقلا بما هم عقلا بدون وابستگی به آیین و مذهب که به طور پیوسته و در همه مسائل اعم اصولی یا فقهی و ... باشد و از آن به بنای عرف عام نیز تعبیر می‌شود.» (نائینی، ۳/ ۱۹۲).

نکته دیگر در بحث سیره عقلا، حجیت آن است مرحوم مظفر می‌فرماید: «بنای عقلا مستقلاً دلیل نیست بلکه تنها زمانی‌که به نحو یقین موافقت و امضای شارع بر آن کشف شود، حجیت می‌یابد» (مظفر، ۳/ ۱۷۷).

آنچه مد نظر است آن‌که از مصادیق سیره عقلا قبول قول مخبر ثقه است، لذا اغلب اصولیان به ویژه معاصران، به دلیل سیره به عنوان چهارمین دلیل در حجیت خبر واحد پرداخته‌اند و همانگونه که ذکر خواهد شد از نگاه برخی از ایشان این دلیل محکم‌ترین دلیل برای اثبات حجیت خبرواحد است که هیچ مناقشه‌ای در آن راه ندارد (تقوی اشتهاردی، ۳/ ۱۹۱؛ خویی، ۱/ ۱۹۶).

برخی چون شهید صدر آن را ذیل دلیل سنت (دروس۲/ ۱۶۳ - ۱۶۴) و برخی چون صاحب کفایه و شیخ انصاری ذیل دلیل اجماع از آن سخن گفته‌اند (آخوند خراسانی، ۳۰۳ - ۳۰۴؛ انصاری ۱/ ۱۶۳ - ۱۶۴).

امام خمینی که از قائلان جدی اثبات خبر واحد بر پایه فقط دلیل سیره است می‌فرماید: «دلیل اصلی بلکه تنهاترین دلیل برای حجیت خبر واحد بنای عقلاست و هرکس که به جوامع بشری که در طول تاریخ به وجود آمده و تمدن‌هایی که استقرار یافته توجه کند بر وجود این سیره واقف خواهد شد» (سبحانی، ۲/ ۴۷۲). طبق نظر مرحوم مظفر سر چنین عملکردی آن است که احتمال خطای خبر ثقه به نظر عقلا ملغی است لذا نظامات بشری بر اساس این سیره استوار گشته که نبود آن موجب اختلال نظام اجتماعی و هرج و مرج خواهد شد (مظفر ۳/ ۹۶ - ۹۷.)

همان‌گونه که گفته شد حجیت دلیل سیره با عدم ردع شارع ثابت خواهد شد، لذا قائلین به آن در اثبات حجیت خبر واحد به عدم ردع چنین بنای عقلایی از سوی شارع ملتزم گشته‌اند (سبحانی، ۲/ ۴۷۲؛ صدر، دروس ۲/ ۱۶۶؛ خویی، ۱/ ۱۹۷؛ مظفر، ۳/۱۰۰؛ آخوند خراسانی، ۳۰۳). مرحوم مظفر در این‌باره می‌گوید: «باید گفت سیره عقلا در مسئله پذیرش خبر واحد ثقه میان مسلمانان ثابت شده و شارع مقدس با آن‌ها متحد گشته است زیرا او از عقلا بلکه رئیس ایشان است زیرا مادامی که که برای ما طریقه خاصی که تأسیس خود شارع در مسئله تبلیغ احکام باشد به جز همین سیره عقلائیه ثابت نشود باید بدانیم که او این سیره را پذیرفته و اخذ کرده چرا که اگر طریقه خاص دیگری در نظر او بود آن را بیان می‌کرد و بین مردم مشهور و ظاهر می‌ساخت تا سیره مسلمانان در این مسئله با عملکرد بقیه انسان‌ها متفاوت باشد.» (مظفر، ۳/ ۹۷).

تحلیل ادله متنی حجیت خبر واحد در پرتوی سیره عقلا

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، گروهی برای اثبات خبر واحد به ادله متنی تمسک جسته و بر پایه آن حجیت خبر واحد را به مثابه حکمی تأسیسی و توقیفی از جانب شارع که منجر به حجیت ظنی خبر واحد می‌شود و آن را تبدیل به ظن خاص می‌کند، دانسته‌اند. در این دیدگاه شرایط اعتبار خبر و وثاقت راوی نیز از الفاظ آیات برداشت شده است. در مقابل طبق دیدگاه گروهی دیگر حجیت خبر واحد حکمی امضائی بر پایه سیره و عملکرد عقلا در اعتباربخشی به حجیت خبر ثقه است و جنبه توقیفی از جانب شارع ندارد (بروجردی نجفی، ۳/ ۱۳۸؛ سبحانی، الوسیط فی اصول الفقه، ۲/ ۵۴) بلکه ادله متنی به علت نارسایی و اشکالات، دارای اعتبار و دلالت مستقل برای حجیت تعبدی نیست. آنچه می‌توان از نوشته‌های ایشان برداشت نمود دلالت ادله متنی به عنوان ممضی و مقرر این سیره است.. برای بیان این دیدگاه ادله متنی را در دو مبحث قرآن و سنت بررسی و اشکالات آن را بیان نموده، سپس بر اساس سیره عقلا تحلیل می‌نماییم.

قرآن

در میان منابع اهل سنت و امامیه در راستای حجیت بخشی به خبر واحد به آیاتی از قرآن استناد شده است، آنچه مورد بررسی این نوشتار قرار دارد دو آیه نبأ و نفر است. به علت آن‌که دیگر آیات طبق دیدگاه مشهور اصولیان دارای دلالتی بر حجیت خبر واحد نیست از ذکر آن صرف نظر کرده و خواننده را مراجعه می‌دهیم (انصاری، ۱/ ۲۸۷؛ صدر، ۱۰/ ۲۰۳).

دلالت آیه نبأ[۱](وصف عدالت راوی)

مشهور اصولیان از دو راه برای اثبات دلالت آیه بر حجیت خبر واحد وارد شده‌اند:

الف- مفهوم شرط: طبق هیئت شرطیه آیه کریمه[۲] وجوب تبین به آوردن خبر فاسق معلق شده است بنابراین اگر شرط منتفی شود یعنی خبر، همراه عادل بیاید حکم وجوب تبین نیز منتفی خواهد شد. لذا خبر واحد عادل حجت می‌شود (نائینی، ۳/ ۱۶۴).

مخالفان دلالت آیه، دواشکال را به این مفهوم وارد کرده‌اند:

۱. از ظاهر آیه انتقاء حکم با انتفاء موضوع همراه می‌شود بنابراین شرط از نوع محققة الموضوع بوده و نمی‌توان از آن مفهوم گرفت. از ظاهر عبارات شیخ انصاری و دیگرانی مثل میرزای‌قمی برمی‌آید که پاسخ

۱. «یاأیها الذین ءامنوا إن جاءکم فاسق بنبإ فتبینوا أن تصیبوا قوما بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین.» (حجرات: ۶)

۲. ان (ادات شرط) جاءکم فاسق بنبأ (جمله شرطیه) فتبینوا (جزاء) (اگر فاسق خبری آورد تبین واجب است)

به این اشکال غیرقابل دفع است (انصاری، ۱/ ۱۱۸؛ قمی، ۴۳۳).

گرچه مرحوم آخوند و محقق نائینی برای پاسخ به این اشکال، موضوع آیه را نفس خبر می‌دانند نه خبری که به قید آوردن فاسق باشد لذا دو فرض بیان می‌شود یکی آن‌که خبر از جانب فاسق باشد که در این صورت تبین واجب است و دیگر آن که خبر از جانب عادل باشد که تبین واجب نیست.[۱] (آخوند خراسانی، ۲۹۶؛ نائینی، اجود التقریرات، ۲/ ۱۰۳ – ۱۰۴). اما این سخنان از جانب همه اصولیان پذیرفته نشده و محقق خویی راه مرحوم آخوند را گرچه در مقام ثبوت می‌پذیرند (واعظ‌حسینی، ۱/ ۱۵۷)، اما در مقام اثبات و دلالت عرفی این سخنان را درست ندانسته و ظهور آیه را از این جهت لااقل مجمل می‌دانند (همو، ۱/ ۱۶۱).

۲. دومین اشکال اصولیان بر مفهوم شرط آیه با توجه به تعلیل ذیل آیه با عبارت «ان تصیبوا قوما بجهاله» است. امام خمینی عموم تعلیل ذیل آیه را متعارض با مفهوم می‌دانند زیرا تعلیل ذیل آیه می‌گوید: «تبین کنید تا به جهالت نیفتید» جهالت نیز یعنی عدم علم به واقع که بین خبر فاسق و عادل مشترک است لذا این عمومیت در تعارض با مفهوم آیه است. هم چنین نمی‌توان این عموم را با مفهوم تخصیص زد زیرا تعلیل اقوی است و ابای از تخصیص دارد (سبحانی، ۲/ ۴۴۲).

میرزای نائینی و محقق خویی برای حل این اشکال مراد از جهالت را سفاهت دانسته و بنابراین تعلیل در این آیه امری ازتکازی و عرفی است لذا چنین علتی عمومیتی بین خبر عادل و غیرعادل به وجود نیاورده و مانع از ظهور مفهوم نمی‌شود. گرچه به ظاهر با چنین پاسخ‌هایی این اشکالات قابل حل است اما امام به این‌ها نیز اشکالاتی وارد می‌سازد.[۲]

ب- مفهوم وصف[۳] این راه از نظر اغلب اصولیان رد شده زیرا آورده شدن یک وصف تعلیلی برای حکم به حساب نمی‌آید و در این مورد نیز شاید آوردن وصف فاسق صرفاً برای بیان صفت ولید و خصوصیت مورد باشد (نائینی، اجود التقریرات، ۳/ ۱۵۸). علاوه بر آن چنین وصفی معتمد بر موصوف نیست و مانند مفهوم لقب است که ضعیف‌ترین مفاهیم بوده و مورد اشکال است (نائینی، ۳/ ۱۶۷). لذا اکثر اصولیان این دلالت را نپذیرفته‌اند و فقط از جانب برخی که به طور کلی مفهوم وصف را دارای حجیت می‌دانند چنین مفهومی مورد قبول است (حیدری، ۱۹۶).

---

۱. لنکرانی، محمدجواد، درس خارج، توضیح مطلب: «یکی از فرق‌های بین شرط محقق موضوع و شرط غیر محقق موضوع این است که اگر شرطی محقق موضوع شد، دیگر دو فرض ندارد؛ اما شرط غیر محقق موضوع دو فرض دارد.
http://www.fazellankarani.com/persian/lesson/2630

۲. اشکالاتی از قبیل آن که با توجه به معانی لغوی نمی‌توان جهالت را به جز عدم علم دانست و یا اشکال دور برای پذیرفتن حکومت مفهوم شرط و همچنین اشکال خارج شدن خصوصیت مورد با چنین دلالتی از آیه. برای اطلاعات بیشتر رک: سبحانی، تهذیب الأصول، ۴۴۲/۲- ۴۴۵.

۳. مفهوم وصف در آیه ان جاء کم فاسق (وصف) بنبا فتبینوا: ان جاءکم عادل بنبا فلا یجب التبین

تحلیل آیه نبأ در پرتوی سیره عقلا

بنابر آنچه در بحث دلالت آیه گفته شد، اگر مفهوم آیه از دیدگاه اصولیان حجت بود، حجیت خبر واحد به شرط وصف عدالت راوی، تعبداً اثبات می‌شد ولی با توجه به اشکالات فوق باید در آن درنگ نمود. لذا گروهی در صدد بازخوانی آیه در پرتوی سیره عقلا و ازتکازات عرفی بر آمده‌اند:

آیه را با توجه به سیره عقلا می‌توان چنین تحلیل نمود که سیره و رفتار فراگیری در میان عقلا و جوامع از جمله جامعه صدر اسلام رایج بوده است که به اخبار یکدیگر ترتیب اثر می‌داده‌اند اما در برخی موارد در به کارگیری سیره زیاده‌روی کرده و حتی به خبر کسی که اطمینان از عدم کذب وی نداشته‌اند نیز عمل نموده‌اند، آیه کریمه پس از قبول آن عملکرد رایج؛ یعنی، بنای عقلایی در پذیرش اخبار که همواره در میان بشر بوده و عرصه‌های تعاملی با اعتماد بر همین مخابره‌ها شکل گرفته، حامل این پیغام شده که باید به محدودیت‌هایی در این سیره توجه کرد لذا امر کرده است که به خبر فرد فاسق پس از تبین توجه شود.

مرحوم مظفر از کسانی است که از عبارات وی چنین دیدگاهی به نظر می‌رسد، ایشان می‌فرماید: «آنچه از آیه استفاده می‌کنیم آن است که منظور از «نبأ» در آیه هر خبری است که نزد عرف مردم قابل اعتماد بوده و بدون تبین به آن ترتیب اثر می‌داده‌اند و گرنه زمانی‌که مردم از هیچ خبری پیروی نکنند (سیره‌ای بین آن‌ها شکل نگرفته باشد) نیازی نبود که به تبین در فرض خبر فاسق امر شود لذا به مقتضای مفهوم شرط آیه تبین را معلق بر خبر فاسق کرده بنابراین خبر عادل شأن تبین نخواهد داشت و مردم در عمل به آن بر همان شیوه و عملکرد رایج خود در پذیرش خبر باقی می‌مانند.»(مظفر، ۳/ ۷۹)

بنابراین آنچه از آیه نبأ بر می‌آید دو نکته خواهد بود:

۱. تأیید سیره رایج بین عقلا و جوامع در عمل به اخبار.

۲. توجه دادن به محدودیتی که باید در ناحیه این عملکرد صورت گیرد که لزوم تبین در ترتیب اثر دادن به خبر شخص فاسق است.

شیخ انصاری نیز اساساً تحلیل آیه نبأ را به ضمیمه سیره عقلا قابل توجیه دانسته‌اند، توضیح آن‌که به نظر ایشان این‌که لزوم تبین از خبر غیرفاسق به مفاد آیه برداشته شده است به ضمیمه بنایی است که عقلا در پذیرش اخبار دارند و آن اجرای اصل عدم خطا و نسیان است. گویی عقلا در مواجهه با اخبار سه احتمال را برای عدم پذیرش آن می‌دهند، اول و دوم آن‌که گوینده دچار خطا و نسیان شده باشد، احتمال سوم نیز کذب گوینده است، عقلا احتمال اول و دوم را با اصل عدم سهو و نسیان غیر قابل اعتنا می‌دانند لذا آیه نیز با پذیرش این اصل عقلایی برای حل احتمال اول و دوم، برای حل احتمال سوم تبین از خبر فاسق و پذیرش خبر ثقه بدون تبین را توصیه می‌کند (انصاری، ۱/ ۷۸).

بر این مبنا باید گفت آیه تأسیس جدیدی برای حجیت خبر واحد ندارد بلکه صـرفاً بـه ایـن مسـئله بـه عنوان یک حکم امضائی می‌نگرد و حتی هشدار ذیل آیه به عنوان محدودیت سیره نیز تنهـا ارشـاد بـه روش عقلاست، از همین رو محقق اصفهانی تعلیل آیه را جهت تقریب ذهن برای فهم مردم می‌داند چرا که عمل به خبر فرد مطمئن، شأن جاهلان نبوده و روش صاحبان معرفت و بصیرت است و اصحاب پیامبر (ص) بـه خاطر اسلام ظاهری ولید، فریب خوردند و از دشمنی وی با بنی المصطلق بـه عنـوان عـاملی کـه موجـب کذب و بی مبالاتی وی می‌شد غفلت نمودند (۳/ ۲۱۰). ایشان می‌فرماید: «عمل به خبر عادل با قطع نظـر از آنچه آیه فرموده است شأن صاحبان بصیرت است زیرا عمل به خبر فرد مطمئن بنای عقلاست بنابراین آیه کاشفیت از حجیت خبر عادل دارد نه آن‌که جعل کننده حجیت بـرای خبـر واحـد چنـین فـردی باشـد (۳/ ۲۱۱).

جالب توجه آن‌که این مسئله در کلام کسانی‌که حجیت خبر واحد را از ظهور دلالت الفاظ آیه برداشت نموده‌اند نیز دیده شده است زیرا همانگونه که گفتیم امام در اشکال به مفهوم شرط، تعلیل ذیل آیـه را سـدی دانستند که جلوی مفهوم را می‌گیرد اما محقق نائینی و خویی برای رهایی از چنین اشکالی تعلیـل را امـری تعبدی ندانسته و آن را در چارچوب ارتکازات عرفی تحلیل نمودنـد. (نـائینی، اجـود التقریـرات، ۲/ ۱۰۵؛ خویی، ۱/ ۱۶۴ – ۱۷۲). این بیان روشن می‌نماید که تا چه اندازه برای درک صحیح از آیه نیازمند توجه بـه بنای عرفی و سیره عقلاست.

با توجه به این نکات همان‌گونه که در پایان نوشتار بیشتر اشاره خواهیم نمود، اساساً شرط عدالت برای حجیت خبر واحد از این آیه استخراج نمی‌شود بلکه باید ملاک اصلی پذیرش اخبار را همان‌گونـه کـه نـزد عقلا رایج است تنها در اطمینان آوری از عدم کذب دانست.

دلالت آیه نفر[1]

در زمینه دلالت آیه بین اصولیان اختلاف است گروهی مانند میرزای نائینی، محقـق خـویی و مرحـوم مظفر دلالت آیه را بر حجیت خبر واحد تمام و حتی اقوی از آیه نبأ می‌دانند (نـائینی، اجـود التقریـرات، ۲/ ۱۱۱). اما گروهی دیگر مانند شیخ انصاری، مرحوم آخوند و امـام خمینـی دلالـت آیـه را دارای اشـکالاتی دانسته‌اند.

اجمالاً می‌توان گفت آیه در مقام بیان وجوب کفایی نفر مؤمنـان بـرای امـر تفقـه در دیـن اسـت، ایـن برداشت به خاطر لفظ «لولا» است که برای تحضیض وارد شده اسـت. گرچـه گروهـی بـه چنـین دلالتـی

---

۱. آیه ۱۲۲ سوره توبه، مشهور به آیه نفر است: «ما کان المؤمنون لینفروا کافه فلو لا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فـی الـدین و لینـذروا قـومهم إذا رجعـوا إلیهم لعلهم یحذرون»

اشکال کرده‌اند اما باز هم می‌توان گفت لااقل آیه دلالت در تشریع نفر دارد (مظفر، ۳/ ۸۲).

طبق نظر موافقان دلالت آیه، ظاهر آن از چند امر واجب تشکیل شده است که با توجه به لام‌های تعلیل و لفظ لعل [۱] هریک از این اوامر علت غایی برای ما قبل آن است و در حکم با هم واحد خواهند بود در نتیجه:

وجوب نفر [۲] به علت تفقه= وجوب تفقه

وجوب تفقه به علت انذار = وجوب انذار

وجوب انذار به علت حذر = وجوب حذر

سپس باید گفت وجوب حذر (با تحقق انذار) مستلزم آن است که قول منذر به علت تحقق انذار، حجت باشد (نائینی، اجود التقریرات، ۲/ ۱۱۱). چرا که قبول قول منذر و حذر از آن با عمل به اخباری است که حکم شرعی را می‌شناساند. (کاظمی، ۳/ ۱۸۵).

در واقع حجیت خبر واحد بر مبنای دو برداشت از دلالت لفظی آیه به وجود می‌آید: اول آن‌که به علت وجوب حذر، قول راوی حجت است و دوم چون وجوب قبول، مطلق بیان شده هر خبری ولو از یک نفر و به صورت واحد، حجیت دارد. این در حالی‌است که مخالفان این دو برداشت را مورد اشکال دانسته‌اند:

اشکال در وجوب حذر

شیخ انصاری و مرحوم آخوند دلالت کلام را تنها بر مطلوبیت حذر می‌دانند نه وجوب (انصاری، ۱/ ۱۲۹) زیرا محبوبیت لفظ لعل لزوما دال بر وجود نخواهد بود و تحذر نیز به امید درک واقع و عدم وقوع در مفسده کار خوبی است اما واجب نبوده و نمی‌تواند حجتی برای تکلیف مکلف بر وجوب باشد (آخوند خراسانی، ۲۹۸). به نظر امام نیز وجوب تحذر از لفظ لعل بر نمی‌آید زیرا لعل دلالت بر علت غایی حکم ما قبل ندارد و تنها ترتب را می‌رساند (سبحانی، تهذیب الاصول، ۲/ ۴۶۴ - ۴۶۵) [۳] لذا مفاد آیه وجوب تفقه بر هریک طوائف و وجوب انذارشان هنگام بازگشت است با این امید که حذر صورت گیرد (تقوی اشتهاردی، ۳/ ۱۸۷).

اشکال در اطلاق آیه

اشکال دیگر و به تعبیر امام بزرگ‌تر آن است که چگونه افرادی که حذر را واجب دانسته‌اند آن را مطلق

---

۱. طبق دیدگاه محقق نائینی و ایه الله خویی کلمه لعل دلالت بر ان دارد که متعلقش علت غایی احکام قبلی مذکور است. (خویی، ۱۸۳/۱)

۲. با توجه به دلالت لولا تحضیضیه

۳. امام سخن محقق نائینی و آیة الله خویی را با آیه «فلعلک باخع نفسک علی آثارهم إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث أسفا» (کهف: ۶) نقض می‌کند زیرا در این آیه نمی‌توان علت عدم ایمان اهل کفر را سختی کشیدن پیامبر (ص) در امر هدایت دانست بلکه تنها ترتبی بین این دو مسئله وجود دارد و ترتب مستلزم علت غایی بودن نیست.

گرفته و در صورت حصول ظن و عدم علم نیز حجت قرار داده‌اند در حالی‌که چنین اطلاقی از کلام بر نمی‌آید.

شیخ انصاری نیز بیان می‌دارد که برفرض پذیرش وجوب حذر، در وجوب حذر اطلاق وجود ندارد بلکه ممکن است تنها در صورت حصول علم، حذر واجب باشد و این مسئله از روایاتی که در زمینه این آیه آمده[1] و امام (ع) وجوب نفر را برای شناخت امامت واجب دانسته است، فهمیده می‌شود چرا که امامت نیز جز با علم ثابت نمی‌گردد (انصاری، ۱/ ۱۲۹). طبق نظر صاحب کفایه نیز در این موضوع اساساً اطلاق صورت نمی‌گیرد زیرا شرط اولیه آن، یعنی؛ در مقام بیان بودن متکلم موجود نیست و آیه تنها در مقام بیان وجوب نفر است لذا در این مورد باید به قدر متیقن، یعنی، وجوب عمل به خبر منذر در صورت حصول علم اکتفا کرد (مشکینی، ۳/ ۳۱۵).

امام نیز در توضیح کامل‌تری می‌فرماید: «آیه بر حسب تفاسیری که از آن شده است در مقام بیان وجوب کفایی اصل نفر و بازگشت و انذار و تحذیر گروهی از مردم است اما آیه نسبت به لزوم عمل به قول هر منذر چه عادل باشد یا فاسق، یک نفر باشد یا متعدد، از گفتارش حصول ظن شود یا حصول علم، در مقام بیان نیست تا بتوان از آن اطلاق گرفت.» (سبحانی، تهذیب الاصول، ۲/ ۴۶۷).

تحلیل آیه نفر در پرتوی سیره عقلا

همان‌گونه که مشخص شد دلالت‌های لفظی این آیه نیز دچار اشکال بود به گونه‌ای که به راحتی نمی‌توانستیم از اطلاق آن حجیت خبر واحد را به دست آوریم، این در حالی است که همانطور که اشاره کردیم در آیه ساختار منظمی برای مسئله تبلیغ احکام شرع اشاره شده که نمی‌توان از آن چشم پوشید لذا بزرگانی با تحلیل آیه در پرتوی سیره عقلا در صدد پاسخ به این مشکل برآمده‌اند:

باید گفت آیه به تدوین ساز وکار مسئله مهم فراگیری احکام برای مسلمانان می‌پردازد ابتدا ما را به وظیفه بزرگ فقاهت متوجه می‌سازد که لاجرم باید به شکل کفائی صورت گیرد (فلو لا نفر من کل فرقه منهم لیتفقهوا فی الدین) و بعد برای ایشان وظیفه انذار را مشخص می‌کند و به ایشان مسئولیت داده که فقط احکام را برای خود فرانگیرند بلکه وظیفه نشر آن و تحذر مردم نیز به عهده آن‌هاست و مردم نیز باید به این مسئله توجه داشته باشند. (و لینذروا قومهم و لعلهم یحذرون) اما حقیقتاً آیه از حیث این‌که قول چند نفر حجت است؟ چگونه حجت است؟ در چه حدی حجت است؟ آیا مفید ظن باشد کافی است یا باید مفید علم باشد؟ ساکت است. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «آیه نسبت به لزوم عمل به قول هر منذر چه عادل باشد یا فاسق، یک نفر باشد یا متعدد، از گفتارش حصول ظن شود یا حصول علم، در مقام بیان

---

۱. از دلایل اصولیان مخالف دلالت آیه روایاتی است که هدف نفر را بیان می‌کند. نک: انصاری، ۱/ ۱۲۹ – ۱۳۱.

نیست تا بتوان از آن اطلاق گرفت. «(سبحانی، تهذیب الاصول، ۲/ ۴۶۷) گویا شارع این مسئله را به بنای عرفی و سیره رایجی که بین مردم در پذیرش اخبار ثقات موجود است می‌سپارد. چرا که عقلا در ساز وکارهایی اجتماعی بر خبر واحد اطمینان بخش با شرایطی که هر ذهن مرتکز عرفی به آن می‌رسد حدود مسئله را روشن ساخته‌اند.

به نظر می‌رسد از کلمات محقق خویی بتوان ایشان را صاحب چنین اندیشه‌ای دانست، ایشان در زمینه اطلاق آیه کریمه می‌فرماید: «گروهی گمان کرده‌اند به سبب اطلاق آیه بر وجوب حذر هنگام انذار، خبر ضعیف نیز دارای حجیت می‌گردد اما این توهمی باطل است زیرا آیه بین عرف و عقلایی نازل شده که به خبر فاسق کاذب عمل نمی‌کنند این در صورتی است که آیه را در مقام جعل حجیت خبر واحد به حساب آوریم اما اگر آن را کاشف از حجیت خبر واحدی که پیش از نزول آیه مورد توجه بوده بدانیم اساساً وجوب حذر از باب تطبیق بر سیره تحلیل می‌شود چرا که مفاد آیه در آن صورت جعل حجیت نیست تا از آن اطلاق فهمیده شود بلکه مفاد آن وجود حجیت خبر واحد به عنوان امری مفروغ عنه است که پیش از نزول آیه به مقتضای سیره عقلائیه مورد عمل بوده و از جانب شارع امضا گشته است. لذا در توسیع و تضییق موضوع حجیت نیز تابع همان عملکرد عقلائیه خواهد بود که همان‌طور که می دانیم عقلا به خبر ضعیف عمل نمی‌کنند.»(خویی، ۱/ ۲۰۰ - ۲۰۱).

بنابراین مشخص می‌شود آیه حجیت اخبار را به عنوان سیره‌ای رایج در بین عقلا تأیید می‌کند لذا برای پی بردن و ضابطه ملاک‌های وثاقت راوی و شرایط وی نیز باید به سیره عقلا توجه نمود، و به هیچ‌وجه نمی‌توان از اطلاق آیه برای شرایط حجیت خبر استفاده کرد.

سنت

مورد دوم از ادله متنی حجیت خبر واحد اخبار معصومان (ع) است که از مضمون آن می‌توان حجیت خبر واحد را به دست آورد. چالش مهمی که در تمسک به روایات با آن روبه‌رو هستیم وجود اشکال دوری است که در این زمینه به وجود می‌آید، زیرا زمانی که ما بخواهیم حجیت خبر واحد را از خبر واحد به دست آوریم دچار دور مصرح خواهیم شد، بنابراین برای نیفتادن در این دور تنها راه حل آن است که چنین اخباری، به حد تواتر رسیده باشند (خویی، ۱/ ۱۹۲؛ مظفر، ۳/ ۸۶).

تواتر در اخبار به سه نوع لفظی، معنوی و اجمالی تقسیم شده است.[۱] آنچه مسلم است در اخبار رسیده

۱. تواتر لفظی جایی است که راویان مضمون واحدی را به یک لفظ یا الفاظ مترادف یا مشابه گزارش کنند. (فضلی، ۷۹) متواتر معنوی نیز جایی است که راویان اخبار گوناگونی را گزارش می‌کنند اما مضمون مشترکی در آن‌ها تکرار شود (همو، ۸۰). تواتر اجمالی نیز آن است که اخبار زیادی در یک موضوع نقل شده اما نه در لفظ و نه در معنا یکسان نیستند اما به علت اینکه عادتاً نمی‌تواند همه آن‌ها کذب باشد به صدق اخص مضمون آن یقین آورده می‌شود (خویی، ۲/ ۱۱۳).

پیرامون این موضوع تواتر لفظی به هیچ وجه وجود ندارد و تنها شاید بتوان تواتر معنوی یا اجمالی را یافت.

روایات دال بر حجیت خبر واحد و اشکالات آن

اصولیان اخبار وارده در حجیت خبر واحد را بر اساس مضمون با چند عنوان بررسی می‌نمایند:

– اخبار علاجیه: آن دسته از اخباری است که طبق آن معصومان (ع) برای حل روایات متعارض برای اصحاب آن‌ها را به ترتیب به روایت اعدل، اصدق و مشهور و هنگامی مساوی بودن تخییر رهنمون ساخته‌اند مشهورترین این روایات مقبوله عمر بن حنظله (کلینی، ۱/ ۶۷ – ۶۸) و هم‌چنین مرفوعه زراره (ابن‌ابی‌جمهور، ۴/ ۱۳۳) است.[۱] در زمینه دلالت این دسته از روایات گفته شده این‌که برای حجیت روایات متعارض راه حلی ارائه شده نشان می‌دهد حجیت خود خبر واحد فی‌نفسه از جانب معصوم (ع) مفروغ عنه است (خویی، ۱/ ۱۹۱؛ مظفر، ۳/ ۸۷).

– روایات ارجاع افراد به اصحاب خاص بدون ضابطه، اخباری است که ائمه (ع) افرادی را که به ایشان برای فهم مسئله و حکم شرعی مراجعه می‌کردند به اصحاب خود ارجاع می‌دادند تا از ایشان حکم را بشنوند. نظیر روایتی که امام صادق (ع) هنگام مراجعه فیض بن مختار که درباره اختلاف احادیث به وی فرمود: «هر وقت احادیث ما را خواستی از این فرد بپرس.» که اشاره ایشان به سمت زراره بود (کشی، ۱۳۵ – ۱۳۶)؛ و همین‌گونه است سفارش معصومان (ع) نسبت به اصحاب برجسته‌ای چون محمد بن مسلم، ابان بن تغلب،، ابوبصیر، زکریا بن آدم، یونس بن عبدالرحمن و ...[۲] به گفته شیخ انصاری ظاهر این دسته از روایات نیز مانند دسته اول دال بر آنست که حجیت خبر واحد نزد معصوم (ع) مفروغ عنه بوده و خبر واحد ثقه نزد ایشان معتبر است (انصاری، ۱/ ۱۳۹).

– روایات ارجاع به عموم راویان بدون ضابطه: این گروه از روایات، آن‌هایی است که امام (ع) به مراجعه به محدثان و راویان در زمان نیاز اشاره کرده‌اند، مانند پاسخی که حضرت حجت (عج) در جواب نامه اسحاق بن یعقوب فرمود: «در حوادثی که پیش می‌آید به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آن‌ها هستم»(طوسی، الغیبة، ۲۹۱) تعداد این دسته از روایات نسبتاً زیاد است.[۳] آنچه از این روایات نیز استفاده می‌شود آن است که خبر واحد فی الجمله نزد معصوم (ع) حجت است که یاران خویش را برای حل مسائل به آن ارجاع داده‌اند.

– روایات ارجاع به صحابه همراه ضابطه: این دسته بیان‌گر روایاتی است که در ارجاع معصوم (ع) به اصحاب مناط و علت ارجاع اشاره شده و در واقع ضابطه‌ای معلوم جهت حجیت خبرواحد مشخص شده

۱. برای اطلاع از روایات علاجیه نگ: وسائل الشیعة، ۲۷ / ۱۰۶ – ۱۲۲.
۲. نگ: حرعاملی، ۲۷/ ۱۳۶.
۳. نگ: حرعاملی، ۲۷/ ۷۷.

است. نمونه آن روایتی است‌که محمدبن‌عیسی از امام رضا (ع) پرسید: من همیشه نمی‌توانم خدمت شما برسم تا هر آنچه از احکام و علوم دین را که لازم دارم بپرسم آیا یونس بن عبد الرحمن نزد شما ثقه است که من از او علوم دینی مورد نیازم را فراگیرم؟ امام فرمودند: آری (کشی، ۴۹۰؛ حرعاملی، ۲۷/ ۱۴۷).

راجع به دلالت این دسته می‌توان گفت: این‌که ارتکاز ذهنی پرسشگر این بوده که مناط حجیت خبر، وثاقت است و امام نیز چنین ملاکی را تقریر کرده‌اند، دال بر آن است کـه خبـر واحـد ثقـه حجـت اسـت (صدر، دروس ۲/ ۱۶۳).

هم‌چنین گروه‌های دیگری از اخبار موجود است که وضوح دلالتی را که گروه‌هـای پیشـین در حجیـت خبر واحد داشتند، ندارند البته می‌توان از مدلول‌های التزامی بـا واسـطه و سـایر قـرائن آن بـه حجیـت فـی الجمله خبر واحد پی برد. مانند روایات حرمت کذب (کلینی، ۱/ ۶۲)، روایات ترغیب بـه کتابـت وحفـظ حدیث (همو، ۱/ ۴۸ و۵۲)، روایات فرستادگان معصومان (ع) جهت تبلیغ (همو، ۲/ ۵۲۰). از همـه ایـن روایات با توجه به فضای صدور آن‌ها می‌توان پی برد که مردم به خبر واحد عمل می‌کرده‌اند به همین علـت معصوم (ع) از پیروی اخبار کذب نهی نموده یا ایشان را به نوشتن حدیث فرمان داده یـا برایشـان مـأمورانی فرستاده است (انصاری، ۱/ ۱۴۴؛ مظفر، ۸۸/۳ – ۸۹)

نکته در خور توجهی که بیشتر در بحث بازخوانی به آن خواهیم پرداخـت و شـهید صـدر بـه آن توجـه می‌دهد آن است که از همه این روایات می‌توان سیره رایج عمل به خبر واحد را به دست آورد اما هیچ کـدام از این‌ها نمی‌تواند برای حجیت تعبدی عمل به خبر واحد ثقه مورد استناد واقع شود (دروس، ۲/ ۱۶۰).

تحلیل روایات در پرتوی سیره عقلا

پس از بررسی روایات وارده در جهت اثبات حجیت خبر واحد باید گفت از دیدگاه چندی از اصـولیان چون شیخ انصاری، صاحب کفایه و آیه الله خویی بر اساس این روایات تواتر اجمالی بر اخـص مضـمون این روایات به دست می‌آید (آخوند خراسانی، ۳۰۲). شیخ انصاری و محقق نائینی قدر متیقن از روایات را شامل حجیت خبر ثقه می‌دانند (انصاری، ۱/ ۱۶۵)، اما آیـه اللـه خـویی اخـص مضـمون تـواتر اجمـالی روایات را در حجیت خبرثقه ندانسته بلکه تنها حجیت روایـات صـحیح اعلایـی را بـر ایـن اسـاس ثابـت می‌دانند (خویی، ۱/ ۱۹۴).

این گزارش خلاصه‌ای از رویکردی است که به روایات نگاه تعبدی برای حجیت بخشی به خبر واحـد داشته‌اند در حالی‌که طبق دیدگاه شـهید صـدر و برخـی دیگـر (عراقـی، ۳/ ۱۳۸) روایـات شـأن تـوقیفی و تأسیسی نداشته بلکه امضای حکم ارشادی است و دلالت آن تنها با تحلیل بر پایه سیره آشکار خواهد شد.

شهید صدر روایاتی را که به عنوان حجیت خبر واحد مطرح است با دوفرض بررسی می‌کند:

۱. می‌توان آن‌ها را دلیل مستقلی برای اثبات حجیت خبر واحد دانست که در این صورت باید قطعی الصدور بوده و یا به حد تواتر برسد تا اشکال دور مطرح شده پیش نیاید.

۲. آن را ذیل دلیل سیره تحلیل نمود (صدر، دروس، ۲۸۸/۱).

سپس ایشان قائل است حجیت خبر واحد از این روایات طبق راه اول ممکن نیست زیرا دلالت این روایات بر حجیت، آن هم حجیت توقیفی و تعبدی، تمام نبوده و اشکالات بسیاری به آن وارد است که در بخش روایات به پاره‌ای ازآن پرداختیم (همو ۲۸۸/۱، ۲/ ۱۵۹).

بنابراین ایشان بر مبنای راه دوم، سیره را در این زمینه در دو ناحیه سیره متشرعه و سیره عقلا پی می‌گیرد. ایشان می‌فرماید: «راه دوم برای اثبات سنت تحلیل آن ضمن سیره به دو گونه است: اول آن‌که قائل به سیره متشرعه گردیم و این‌که اصحاب ائمه به خبر واحد ثقه عمل می‌کردند... و دوم آن‌که با سیره عقلا مسئله را بررسی کنیم چرا که شأن عقلا چه در اغراض شخصی طبیعی خود و چه در زمینه‌های تشریعی و روابط اجتماعی عمل به خبر ثقه و اعتماد بر آن است و این امر فراگیر عقلا موجب به وجود آمدن عرف و عادت بین مردمان شده بود که در روابطشان با شارع و احکام شرع نیز به همین عادت مراجعه می‌کردند بنابراین وقتی در این حال شارع هیچ ردعی بر این عرف وارد نساخته است، این عدم ردع به معنی تقریر و امضای چنین حکمی است.» بنابراین سنت نیز مانند سایر ادله متنی دیگر به عنوان نقش تقریری و ممضی برای حجیت خبر واحد ایفا می‌کند و تنها در این حالت است که دلالت آن‌ها بدون هیچ اشکال و مناقشه‌ای پذیرفته خواهد شد (همو، ۲/ ۱۶۳ - ۱۶۴).

سبحانی نیز از موافقان این طریق است و می‌فرماید: «مجموع این روایات نشان می‌دهد که خبر واحد حجت است و کبری یک امر مسلم بوده و ائمه هم فقط در باره صغری بحث کرده‌اند.»

مرحوم عراقی نیز تحلیلی مشابه کلام شهید صدر ارائه داده‌اند (بروجردی نجفی، ۳/ ۱۳۴).

ضمن آن‌که ثمره چنین دیدگاهی را خروج شرط عدالت برای راوی می‌دانند زیرا آنچه ارتکازات عرفی برای اعتماد به خبر در نظر دارد ثقه بودن راوی و اطمینان از کذب اوست. طبق نظر ایشان از روایات نیز چنین بر می‌آید که تنها خبر صحیح نیست که لزومی در پذیرش دارد بلکه اگر خبری از عادل و لو غیرشیعه برسد به علت وجود معیار وثاقت و اطمینان آوری قابل پذیرش است. (همو، ۳/ ۱۳۴ - ۱۳۵).

این نکته به عنوان یکی از ثمرات مهم دیدگاه ارائه شده نوشتار قابل بررسی است. سبحانی در بیان دقیق‌تری اظهار داشته‌اندکه آنچه در خبر واحد مهم است اساساً فرد ثقه نیست بلکه خبری است که فرد می‌آورد یعنی آنچه باعث اطمینان عقلا به خبر می‌شود وثاقت فرد نیست بلکه وثاقت راهی است که آدمی به موثوق الصدور بودن خبر اعتماد کند. (سبحانی، الوسیط، ۲/ ۵۶) لذا ایشان ضمن اشاره به انواع حدیث

(صحیح، حسن، موثق و ضعیف) می‌فرماید: «اگر خبر ثقه را حجت بدانیم جز نوع اول چیزی را نمی‌توان حجت دانست ولی اگر بگوییم ثقه بودن طریقی است به سوی موثوق الصدور بودن، غیر از ضعیفی که حکم به ضعف او کرده باشند، همه حجت هستند، حتی خبر ضعیف مهمل و مجهول هم اگر از قرائن دیگری وثوق به صدور آن پیدا کنیم، حجت است.» به نظر ایشان این مسئله دقیقاً همان بنایی است که عقلا دارند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری نوشتار را در غالب چندین نکته بیان می‌داریم:

۱. در مباحث اصولیان برای اثبات حجبت خبر واحد ادله متنی و غیرمتنی در عرض یکدیگر قرار دارد در حالیکه اگر قرار باشد حجیت خبر واحد را با تکیه بر سیره عقلا پذیرفت دیگر مجالی برای پذیرش تعبدی این حکم با تمسک به ادله متنی نخواهد ماند و ما با در عرض هم قرار دادن آن‌ها دچار تناقض می‌شویم.

۲. از طرف دیگر دلالت‌های ادله متنی بر حجیت خبر واحد دارای اشکالات و مناقشاتی است از جمله:

– آیه نبأ که به دلالت مفهوم شرط بر خبر واحد دلالت می‌کند دارای اشکال محققة الموضوع بودن است همچنین تعلیل ذیل آیه به گفته برخی موجب مفهوم نداشتن شرط شده است.

– آیه نفر از نگاه بعضی فقط به وجوب کفایی نفر و تفقه و سپس تبلیغ دلالت کرده و نسبت به این‌که آیا سخن یک راوی یا فقیه معتبر بوده یا نیاز به وجود چند نفر است و ... در مقام بیان نیست و نمی‌توان از اطلاق آن به نتیجه رسید.

– برای تمسک به روایات، تواتر آن‌ها باید ثابت شود و گرنه دچار دور خواهیم شد که به گفته برخی تواتر ولو اجمالاً بر حجیت خبر واحد از روایات بر نمی‌آید.

۳. نگاه نوینی که در نوشتار دنبال کردیم که به منزله پاسخ به اشکالات فوق بود بررسی ادله خبر واحد با این نظر که سیره عقلا را به عنوان دلیل اصلی که سایر ادله متنی در ذیل آن قرار می‌گیرند تبیین کنیم و بر این اساس ادله متنی در طول سیره عقلا قرار گرفته و باید در پرتوی آن بازخوانی شود:

– آیه نبأ تأسیس حکم جدیدی نیست بلکه آیه کریمه با پیش فرض ثابت دانستن سیره رایجی که بین مردم در اعتماد به خبر افراد بوده، صرفاً ایشان را به محدودیتی که باید در سیره پیگیری شود و آن تبین خبر غیر ثقه و فاسق است، ارشاد می‌کند.

– آیه نفر برای وظیفه بزرگ فقاهت و فهم احکام شرع ساز و کار دقیقی را تبیین کرده و به گروهی از مسلمانان وظیفه نفر و سپس تبلیغ احکام را سپرده است و این‌که معلمان و متعلمان در امر فراگیری احکام دین چگونه اطلاعات را بین خویش رد و بدل نمایند تا هدف تبلیغ (حذر) حاصل شود، عرف رایج و سیره عقلائیه را در نظر داشته که طبق آن افراد به سخن مبلغان با در نظر گرفتن شرایط وثاقت ترتیب اثر می‌دهند.

– تنها راهی که می‌توان دلالت روایات را وافی دانست آن است که بگوییم قول و عمل معصومان (ع) در روایات گروه‌های مختلف، بر مبنای ثابت بودن سیره‌ای بین مسلمانان در پذیرش خبر واحد است.

۴. بنابراین تنها دلیل اصلی حجیت خبر واحد سیره عقلائیه و عرف رایج مردم در پذیرش خبر واحد است که این عملکرد در مرئی و منظر معصوم (ع) و شارع واقع شده و حمایت او را در برداشته است، بنابراین ادله متنی مقرر و امضای سیره هستند و در طول آن قرار می‌گیرند.

۵. یکی از ثمره‌های چنین دیدگاهی در بحث قلمرو حجیت خبر واحد مطرح می‌شود و نتیجه آن خروج برخی شروط تعبدی چون عدالت در پذیرش خبر واحد و هم‌چنین توجه به موثوق الصدور بودن خبر است زیرا بنا بر سیره عقلا نفس ثقه بودن راوی تنها مد نظر نیست بلکه ایشان ثقه بودن را طریقی برای موثوق الصدور بودن خبر می‌دانند لذا اگر حدیثی راوی ثقه داشته اما از زوایه های دیگر عقلایی مورد تردید وثاقت صدور قرار گیرد، قابل پذیرش نیست.

منابع

ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، ***عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة***، قم، دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، ***معالم الدین و ملاذ المجتهدین***، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، چاپ نهم، بی‌تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، بیروت – لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع – دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

انتخابیان، عذرا، «بررسی علل و آثار نظریه حجیت و عدم حجیت خبر واحد»، ***فقه و اصول***، شماره ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۲۴-۵۱.

انصاری، مرتضی بن محمد امین، ***فرائد الاصول***، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ق.

آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ***کفایة الأصول***، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

تقوی اشتهاردی، حسین، ***تنقیح الأصول*** (تقریرات اصولی امام خمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،

تهران، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعة***، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

حیدری، علی نقی، ***اصول الاستنباط***، قم، لجنه اداره الحوزه العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

خمینی، مصطفی، ***تحریرات فی الأصول***، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

خویی، ابوالقاسم، ***مصباح الأصول***، مقرر: محمد سرور واعظ حسینی بهسودی، قم، مکتبة الداوری، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.

دیاری بیدگلی، محمد تقی، «بررسی مبنای امام خمینی در حجیت روایات فقهی و غیر فقهی» ***کتاب قیم***، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صص ۵۷-۷۸.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ***المفردات فی غریب القرآن***، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

سبحانی، جعفر، ***الوسیط فی اصول الفقه***، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.

ـــــــــــــ، ***تهذیب الأصول***، (تقریرات اصولی امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.

صدر، محمد باقر، ***دروس فی علم الأصول***، قم، طبع انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۸ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

طریحی، فخر الدین بن محمد، ***مجمع البحرین***، تهران - ایران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.

طوسی، محمد بن حسن، ***العدة فی أصول الفقه***، قم، انتشارات محمد تقی علاقبندیان، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

ـــــــــــــــــــ، ***الغیبة***، ایران، قم، دار المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

عراقی، ضیاء الدین، ***نهایة الافکار***، مقرر: محمد تقی بروجردی، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.

علم الهدی، علی بن حسین، ***رسائل الشریف المرتضی***، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

فخلعی، محمدتقی، «پژوهشی در چیستی سیره عقلا و نسبت آن با حکم عقل»، ***مطالعات اسلامی: فقه و اصول***، سال چهل ودوم، شماره پیاپی، ۸۴/۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۹۷-۱۲۶.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ***کتاب العین***، قم - ایران، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

فضلی، عبدالهادی، ***اصول الحدیث***، بیروت، مؤسسه ام القری للتحقیق و النشر، بی‌تا.

قرشی، علی اکبر، ***قاموس قرآن***، تهران - ایران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.

قمی، ابوالقاسم، ***قوانین الأصول***، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ق.

کشی، محمد بن عمر، ***رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال***، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، ترجمه مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۹.

ــــــــــــــ، ***الکافی***، تهران، چاپ دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، ***روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه***، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.

محقق داماد، مصطفی، ***مباحثی از اصول فقه***، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی چاپ اول، ۱۳۶۲.

مشکینی اردبیلی، ابوالحسن، ***کفایة الاصول***، قم، لقمان، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

مظفر، محمد رضا، ***أصول الفقه***، قم، انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۳۰ ق.

نائینی، محمدحسین، ***أجود التقریرات*** (مقرر: ابوالقاسم خویی)، قم، مطبعه العرفان، چاپ اول، ۱۳۵۲.

ــــــــــــــ، ***فوائد الاصول*** (مقرر: محمدعلی کاظمی)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۶

نفیسی، شادی، ***درایه الحدیث***، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۹.

هاشمی شاهرودی، علی، ***دراسات فی علم الأصول*** (تقریرات اصولی ابوالقاسم خویی)، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.